

اله نر مارکس

«اعتصابات به تنهایی به آزادی نمی انجامند» (۱)

هیزل کرافت Hazel Croft

مدام به ما می گویند جنبش طبقه کارگر بریتانیا از مارکسیسم و تغییر انقلابی بیگانه است. زندگی اله نر مارکس این افسانه را در هم می شکند:

اله نر Eleanor، دختر کارل مارکس، یک سوسیالیست و مدافع خستگی ناپذیر آزادی زنان بود و در طول زندگی اش در راه تغییر انقلابی جامعه جنگید. او در صف مقدم موج اعتراضات کارگران صنعتی سال های آخر دهه ۱۸۸۰ قرار داشت که به «اتحادیه گرایی نوین» معروف گشت. این مبارزات زیربنای ساختار اتحادیه های سراسری بزرگی بود که امروزه ما در انگلستان می شناسیم. اله نر عضو رهبری اتحادیه کارگران گاز بود. اتحادیه ای که امروز اتحادیه سراسری "G. M. B." (۲) نام دارد.

مبارزه ای که او در آن شرکت داشت نافی این نظریه است که رفرمیسم - یعنی ایده تغییر تدریجی سیستم موجود - تنها راهی ست که جنبش طبقه کارگر بریتانیا می تواند دنبال کند.

اله نر در اواسط قرن ۱۹ می زیست، زمانی که بریتانیا «کارگاه دنیا» خوانده می شد و از نظر خیلی ها دیگر از بحران اقتصادی و قیام های کارگری خبری نمی توانست در میان باشد. تا سال های ۱۸۸۰ شمار کمی از کارگران در اتحادیه ها متشکل بودند، آنها در اتحادیه های «صنعتی». این اتحادیه ها بر این اساس بنا شده بود که کارگران نیمه متخصص، غیر متخصص و زنان، یعنی در مجموع، اکثریت کارگران را نپذیرد. اما در دهه ۱۸۸۰ بروز مجدد بحران اقتصادی به همراه موجی از مبارزات از پایین، دسته بندی های کهنه موجود رابه لرزه درآورد. اعتصابات پیروزمند زنان کارگر در کارخانه کبریت سازی (برایانت اند می) منطقه Bow، واقع در شرق لندن، سبب گردید تا هزاران کارگر غیر متخصص در اعتراض به اوضاع طاقت فرسای کار به مبارزه برخیزند.

برای نخستین بار، کارگران غیر متخصص کارخانه ها، باراندازان، زنان و کارگران مهاجر به اتحادیه های نوین پیوستند. این عمل نه تنها رعشه بر اندام کارفرمایان انداخت، بلکه رهبران اتحادیه های صنعتی قدیم و مهندسی مدافع سیستم را نیز به لرزه در آورد. نقطه اوج این جنبش، اعتصاب باراندازان در سال ۱۸۸۹ بود که در آن بیش از ۳۰۰ هزار تن از فقیرترین کارگران روزمزد منطقه پایین شرق لندن شرکت کردند.

این کارگران همان کارگرانی بودند که در گذشته به نظر می رسید قابل سازماندهی نیستند، چنان که فردریک انگلس انقلابی، در این باره با شور و شوق گفت: «اگر کارگران بارانداز سازماندهی شوند، کارگران بخش های دیگر نیز به پی روی از کارگران بارانداز سازماندهی خواهند شد».

اله نر در مرکز مبارزه جهت سازماندهی کارگران غیر متخصص و کارگران عادی قرار داشت. او در تشکیلات اتحادیه کارگران گاز که توسط ویل تورن (Will Thorne)، مبارز سوسیالیست در سال ۱۸۸۹ بنیان گذاشته شده بود نقش کلیدی داشت و به اتفاق آراء به عنوان عضو هیأت اجرائی آن انتخاب گردید.

رشد اتحادیه شگفت انگیز بود. تنها در یک سخنرانی در میتینگ کارگران گاز «بکتون» (Beckton) که تورن

ایراد کرد، حدود ۸۰۰ کارگر به عضویت اتحادیه درآمدند. بعد از گذشت چند ماه اتحادیه موفق گردید ۱۲ ساعت کار روزانه را به ۸ ساعت تقلیل داده و نیز مزد روزانه تمام کارگران را ۶ پنس افزایش دهد.

تورن وضعیت روز را چنین توصیف می کند: «نظریهء عضو شدن در اتحادیه همه جا گیر شد و طرفداری از آن به اوج خود رسید. در طول دو هفته بیش از ۳ هزار کارگر وارد اتحادیه شدند. هیچگاه در گذشته واکنش کارگران این گونه نبوده است. لندن ماه ها در شور و هیجان بود».

اله نر با تأکید بر ضرورت همبستگی طبقهء کارگر، تمام انرژی خود را صرف سازماندهی زنان کارگر نمود. در طول اعتصاب کارگران شرکت سیلور کی بل (Silver Cabel) واقع در شرق لندن، به سازماندهی اولین اتحادیه زنان کارگر گاز مشغول گشت. ایوون کاپ (Yvonne Kapp) (۳) نویسندهء زندگی نامهء اله نر می نویسد: «وی تأکید می نمود که حسادت های بی ارزش موجود بین بخش های مختلف کارگران مزد بگیر، باید از صفوف کارگرانی که نباید از دریافت دستمزد ناچیز راضی باشند طرد شود».

«اله نر به زنان جوان اصرار می کرد که از شریک زندگی شان بخواهند تا رسید پرداخت حق عضویت اتحادیه را نشان دهند و گرنه از خانه خارج شوند».

اعتصاب کارگران کیبل به پیروزی نینجامید، اما به اله نر آموخت که چگونه به عنوان یک سوسیالیست در مبارزات طبقهء کارگر دخالت کند. او سعی کرد مبارزه برای خواست های فوری کارگران را با مسائل سیاسی عمومی تر مرتبط نماید. در خدمت به چنین هدفی، در سال ۱۸۹۰ به همراه دیگر رفقای سوسیالیست خود منجمله شریک زندگی اش «ادوارد اولینگ» تظاهرات اول ماه مه را که نخستین بار در انگلستان برپا می گشت سازمان داد. موفقیت تظاهرات شکفت انگیز بود. صدها هزار نفر در جشن روز کارگر در «هاید پارک» گرد آمدند و خواستار ۸ ساعت کار در روز شدند.

اله نر در این تظاهرات سخنرانی کرد و مورد تشویق اجتماع تظاهر کنندگان قرار گرفت. وی اظهار داشت: «من امروز، نه فقط به عنوان یک سندیالیست، بلکه به عنوان یک سوسیالیست صحبت می کنم» و افزود: «این پایان کار نیست، بلکه آغاز مبارزه است». اله نر در طول زندگی اش با تمام مسائل مهم اجتماعی و سیاسی روز درگیر بود. از کسانی بود که با جدیت سعی در تشکیل اولین احزاب سوسیالیست - فدراسیون سوسیال دموکراتیک و انجمن سوسیالیست ها - در بریتانیا نمود.

در مورد مسائل گوناگون، از شرایط کار در کارخانه ها گرفته تا بررسی شعر «شلی» (Shelley) مطلب نوشت، نمایشنامه ها، رمان ها و آثار مهم سیاسی زیادی را به انگلیسی ترجمه کرد.

ایده ای که مبارزهء کارگران را منحصراً در حوزهء خواست های فوری مزد و شرایط کار، محدود می نمود، او را به وحشت می انداخت. اله نر می نوشت: «اتحادیه گرایي و اعتصابات به تنهایی طبقهء کارگر را آزاد نخواهد کرد. کارگران تنها زمانی به آزادی اقتصادی دست خواهند یافت که به تصرف قدرت سیاسی به نفع طبقهء خود نایل آیند».

متأسفانه احزاب سوسیالیستی که اله نر با آن ها در ارتباط بود هیچگاه چنانکه باید خود را با موج اعتصابات اتحادیه های نوین مرتبط ننمودند و وی سرانجام آن ها را ترک نمود. او مدافع خستگی ناپذیر همبستگی بین المللی بود و در مرکز سازماندهی و تجمع احزاب سوسیالیست اروپایی که به تشکیل انترناسیونال دوم انجامید قرار داشت.

او همچنین ضد امپریالیست متعهدی بود. حمایت اش را از استقلال ایرلند با اشتیاق فراوان ابراز می داشت و به اعتقاد او، طبقهء کارگر کلید نیل به این هدف بود. در همین باره می گفت: «بگذارید ایرلند آزاد باشد، اما ایرلند

آزاد برای کارگران. برای مردان و زنان ایرلندی چه فرقی می کند که از جانب ناسیونالیست ها استثمار شوند یا از طرف «اورنج من» (Orange Men) (۴) همان گونه سرمایه داری دشمن کارگر صنعتی ست، مالک زمین هم دشمن کارگر کشاورزی ست».

اله نر علیه اندیشه های ارتجاعی که در جامعه ویکتوریایی آن زمان در باره زنان متداول بود به مبارزه برخاست. خود از آیین های رایج در مورد زنان برید و اعلام داشت که زنان باید حق دخالت در تمامی عرصه های زندگی را داشته باشند. وی همزمان علیه فمینیست های طبقه متوسط که معتقد بودند تمام زنان خواست های مشترکی دارند نیز به نبرد برخاست و اعلام نمود: «زنان باید خود را نه به عنوان زنان، بلکه به عنوان پرولتاریا، نه به مثابه رقبای مرد، بلکه به مثابه رفقای همزم با مردان سازمان دهند».

اتحادیه گرایی نوین در دهه ۱۸۸۰ پتانسیل عظیمی در جهت ساختار جنبش انقلابی در انگلستان از خود نشان داد؛ امری که می توانست به تسخیر کل نظام سرمایه داری بینجامد. برای جنبش طبقه کارگر و برای خود اله نر شخصاً تأسف آور بود که این جنبش ها آنطور که باید هیچگاه قادر نگشتند طبقه حاکمه را به مبارزه فراخوانند و تشکیلات سوسیالیستی وقت نیز ضعیف و پاره پاره بود و هرگز نتوانست از موقعیت های این دوره استفاده های مهم سیاسی بنماید.

کارفرمایان با استفاده از اراذل اعتصاب شکن و بستن کارخانه ها به روی کارگران، کینه جویانه علیه کارگران برخاسته موفق به درهم شکستن مبارزات آنان شدند. تأثیرات شکست در اوایل سال های ۱۸۹۰ برای اله نر خرد کننده بود. تعداد اعضای اتحادیه کارگران گاز که او خود را وقف ساختن آن کرده بود، از ۶۰ هزار نفر در ۱۸۹۰ به ۲۴ هزار نفر در ۱۸۹۶ تنزل یافت. اله نر از نظر سیاسی احساس تنهایی می کرد و قادر به بازگشایی افقی برای آینده نبود. ناامیدی در عرصه های سیاسی و شخصی بر او چیره شده بود. سرانجام، در سال ۱۸۹۸، زمانی که ۴۳ سال بیشتر از عمرش نمی گذشت، خودکشی کرد.

پس از مرگ اله نر، در فاصله دو سال، کمیته نمایندگی کارگر شکل گرفت که مدتی بعد به تشکیل حزب کارگر دست زد. در این دوره از شکست طبقه کارگر، رفرمیسم بر جنبش کارگری تسلط یافت. حزب کارگر گام بزرگی برای طبقه کارگر محسوب می گشت اما در عین حال، باعث عقب نگه داشتن آن نیز می شد.

«سیاست از بالا به پایین و تدریجی» حزب کارگر، با سنت سوسیالیسم مبنی بر «سیاست از پایین» که اساس سیاست های اله نر را تشکیل می داد در تضاد بود. گرایش به «حزب کارگر» که از آن زمان تا کنون سد راه جنبش کارگری بوده است، مؤید جدایی بین اتحادیه گری (سندیکالیسم) و مبارزات سیاسی ست که اله نر با چنین سیاست تفرقه افکنانه ای مبارزه می کرد. همانگونه که ایوان کاپ می نویسد: «اله نر بدون اینکه لحظه ای هدف انقلابی را از نظر دور دارد، مشتاقانه برای تحقق تمامی رفرم های دست یافتنی فعالیت می نمود. هم در جهت سرنگونی کل نظام ترویج می کرد و هم می کوشید مطالبات فوری ای که طبقه کارگر برای دست یابی به آن آماده مبارزه بود به حاشیه رانده نشود. این درک اله نر از مارکسیسم بود».

ترجمه سعید سالک - انگلستان

توضیحات مترجم:

- ۱- هدف از ترجمه این مقاله از روزنامه کارگر سوسیالیست، ۱۲ آوریل ۱۹۹۷ کوششی ست در جهت آشنایی کمونیست ها به ویژه زنان کمونیست ایرانی با مبارزات درخشان و اهداف انقلابی اله نر مارکس.
- ۲- "G. M. B." مخفف General Municipal Boiler Makers است که در گذشته «اتحادیه سراسری کارگران سازنده دیگ بخار» بود و هم اکنون «اتحادیه سراسری کارگران سازنده آب گرم کن».
- ۳- دو اثر ارزشمند به انگلیسی نوشته Yvonne Kapp که عنوان هر دو اثر Eleanor Marx می باشد. نویسنده در جلد اول به بررسی جامع زندگی خانوادگی سال های ۱۸۸۳-۱۸۵۵ و در جلد دوم به بررسی سال های شلوغ و پرتحرک ۱۸۸۴-۱۸۹۵ که اله نر، دختر کارل مارکس فعالیت داشته پرداخته است. تهیه آن از کتابفروشی ها شاید ممکن نباشد، ولی علاقه مندان می توانند برای آشنایی با زندگی پربار و مبارزه جویانه این زن برجسته و انقلابی، هر دو جلد این اثر را از کتابخانه Swiss Cottage در لندن تهیه نمایند.
- ۴- Orange Men به پروتستان های ایرلندی اطلاق می شد که طرفدار ادامه سلطه انگلیس بودند.